

گونه‌شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۳

اصغر میر فردی^۱، آسیه صادق نیا^۲

چکیده

نزاع، نوعی بی‌نظمی در روابط اجتماعی میان افراد و گروه‌ها است که یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی استان کهگیلویه و بویراحمد محسوب می‌شود. این مسئله پیامدهای اجتماعی گوناگونی را در بر داشته که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کاهش ابعاد گوناگون امنیت در جامعه یاد شده اشاره کرد. مقاله حاضر با هدف گونه‌شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد تدوین شده است. از آنجا که در این پژوهش تحلیل محتوای پرونده‌های نزاع دسته جمعی و بازجویی‌های صورت گرفته از افراد مد نظر بوده، سعی شده، ماهیت و ویژگی‌های نزاع‌های جمعی اتفاق افتاده در شهرستان بویراحمد از لحاظ زمینه وقوع درگیری، تعداد افراد شرکت کننده در نزاع جمعی، محل و زمان وقوع درگیری، دامنه صدمات وارد شده، سلاح مورد استفاده، تعداد افراد شرکت کننده در نزاع، نحوه ختم و متغیرهای جمعیتی مربوط به افراد شرکت کننده در نزاع جمعی بررسی شود. روش تحقیق این مقاله اسنادی و استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کمی می‌باشد؛ داده‌های این گونه‌شناسی با ابزار پرسشنامه معکوس و از بررسی ۵۲ پرونده نزاع جمعی و متن بازجویی‌های ۴۱۷ نفر از شرکت کنندگان در نزاع جمعی که در حوزه اجرای احکام شماره ۱ دادسرای عمومی و انقلاب استان کهگیلویه و بویراحمد موجود است، استخراج شدند. نتایج این پژوهش نشان دادند که جوانان، مردان، مجردها، روستائیان و افراد دارای پایگاه اقتصادی پایین، به میزان بسیار بالایی در نزاع‌های دسته جمعی شرکت داشته‌اند؛ افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم و بی‌سواد ۶۴ درصد نزاع‌های جمعی را به خود اختصاص داده‌اند. بیشتر نزاع‌ها در روستاها رخ داده و در شهرها نیز اکثر نزاع‌ها در معابر عمومی شهر رخ داده‌اند. در ارتباط با زمینه‌های بروز درگیری بین گروه‌ها، مسائل ملکی-زراعی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و بعد از آن نیز شوخی‌ها و بی‌احترامی‌های کلامی، مسائل مالی، اختلافات قدیمی، ناموسی، خانوادگی و... در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند. همچنین اکثر سلاح‌های مورد استفاده از نوع سرد بوده‌اند؛ از نظر حجم جمعیت شرکت کننده در نزاع، بیشترین نزاع‌ها مربوط به نزاع‌های با ۳ تا ۱۰ نفر شرکت کننده بوده است، در ۴۲/۳ درصد از پرونده‌ها سابقه درگیری وجود داشته است که از این میزان تنها ۴۰/۹ درصد به مراجع قضایی و انتظامی مراجعه داشته‌اند و در ۳۶/۳۶ درصد نیز ریش سفیدان و وساطت کرده‌اند. ۷۵ درصد از طرفین درگیر هیچ گونه نسبت خویشاوندی اعم از سببی و نسبی نداشته‌اند، اما بیشتر افراد غیرخویشاوند (۶۹/۲ درصد) سابقه آشنایی با همدیگر داشته‌اند. در نهایت نیز در ۳۲/۷ درصد از پرونده‌ها طرفین درگیری به یکدیگر رضایت داده‌اند و بیشترین حکم صادر شده از طرف مراجع قضایی جریمه نقدی به حساب دولت بوده است.

کلید واژه‌ها

نزاع جمعی / ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی منازعان / گونه‌شناسی نزاع / آسیب اجتماعی / انسجام اجتماعی / رفتارهای انحرافی / جامعه پذیری / تعامل اجتماعی

۱- دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

مقدمه و بیان مسئله

انسان‌ها در طول تاریخ حیات اجتماعی خویش، بر اساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و همچنین ارزش‌های حاکم بر اندیشه و تفکر افراد با انواع گوناگونی از رویارویی‌ها و تقابلات مثبت و منفی فردی، گروهی و بین گروهی مواجه بوده‌اند. گاه در تضاد، ستیزه و نزاع با همدیگر به سر برده و گاه در صلح، آرامش و نوع دوستی بوده‌اند. آنچه که مسئله آفرین است وجود تضادها و رویارویی‌های خشونت آمیز در بین افراد و گروه‌ها است. به طور کلی، تضاد در جامعه به اشکال گوناگون به عنوان یک مسئله اجتماعی سابقه‌ای طولانی داشته است؛ به گفته مرتن و نیسبت^۱ (۱۹۷۴: ۵۹) شرایطی که منجر به بی‌سازمانی در جامعه می‌شود، در درجه اول به واسطه فروپاشی هنجارها و توافقات، و در وهله دوم به تنهایی به دلیل تضاد است.

اساساً می‌توان نزاع جمعی را چنین تعریف کرد: "رویارویی پرخاشگرانه و ستیزه‌جویانه که توأم با خشم، کینه و انتقام صورت می‌گیرد و سبب قتل، ضرب و شتم و مجروح و معلول شدن طرف‌های درگیر می‌شود و خسارات مالی فراوانی نیز به بار می‌آورد" (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳۷۴). همچنین می‌یر^۲ (۱۳۶۸: ۲۴) معتقد است: "نزاع عبارت است از کشمکش مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر." نزاع‌های جمعی به عنوان یک مسئله اجتماعی علت بروز برخی مسائل اجتماعی دیگر است و خود نیز معلول برخی شرایط و پدیده‌هایی است که ریشه در ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارد.

نزاع دسته جمعی، که اصولاً با میانگین بالایی در استان‌هایی که ساختار ایلی و طایفه‌ای خود را حفظ کرده‌اند، مشاهده می‌شود، علاوه بر حفظ ساختارهایی در اثر عواملی چون احساس محرومیت، تعصب، خاص‌گرایی، انزوای اجتماعی، توسعه نیافتگی فرهنگی و ... به وقوع می‌پیوندد. نزاع‌های دسته جمعی پیامدهایی نظیر تداخل در نظم عمومی، گسترش روحیه انتقام‌جویی، گسترش جرائم و آسیب‌های

1- Merton and Nisbet

2- Meier, Peter

اجتماعی، کاهش عرق ملی در مقابل گرایش‌های قوم‌مدارانه، تهدید احساس امنیت عمومی و مهم‌تر از همه کاهش احساس امنیت در میان افراد، که خود زمینه ایجاد اضطراب و دیگر ناآرامی‌های فکری و روحی می‌باشد، را به دنبال خواهد داشت.

طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، جمعاً ۳۰۲۹۹ مورد نزاع غیر مسلحانه در کشور ثبت شده است. در این نزاع‌ها ۶۶۰ نفر کشته و ۲۷۶۳۳ نفر مجروح شده‌اند. همچنین در این خصوص، ۶۷۶۲۳ نفر نیز دستگیر و به مقامات قضایی تحویل شده‌اند. بیشترین نزاع دسته جمعی غیر مسلحانه مربوط به سال ۱۳۷۷، بیشترین کشته مربوط به همین سال ۱۳۸۰ و بیشترین مجروح نیز مربوط به سال ۸۰ بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۹)؛ همچنین وزارت کشور در سال ۱۳۸۳ بیان داشته است که میانگین فراوانی نزاع دسته جمعی در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ برای کل کشور معادل ۱۱/۸ مورد به ازاء هر صد هزار نفر بوده است؛ این میزان برای استان کهگیلویه و بویر احمد معادل ۱۸ بوده که نسبت به میانگین کشوری بسیار بالاتر است و در مقایسه با استان‌های دیگر رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است (وزارت کشور، ۱۳۸۳: ۱۳۵). این استان در مسیر توسعه در سال‌های اخیر با تغییرات و تحولات جمعیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه بوده و هم‌اینک هم شاهد تحولات گوناگون اجتماعی به ویژه در نقاط شهری است از همین رو شیوع نزاع، بخصوص نزاع‌های گروهی و دسته جمعی که تحت تأثیر ویژگی‌هایی چون تنوع طایفه‌ای ساکنان این مناطق و حفظ ساختار ایلی و قبیله‌ای، برخورداری از اجتماعات سنتی و اجتماعات در حال گذار، ظهور ویژگی‌های فرهنگی جدید و خرده‌فرهنگ‌ها و تقابل آن‌ها با فرهنگ‌های سنتی، تعصبات سنتی، قانون‌گریزی، محرومیت و حتی شرایط طبیعی و عوامل تاریخی و ... قرار گرفته است، آثار زیان‌باری بر روند توسعه آن خواهد گذاشت. از این رو، تحلیل علمی این مسئله، کشف زمینه‌های بروز آن و ارائه راهکارهای مقابله با آن ضرورتی است که می‌تواند راهنمای مسئولان برای جلوگیری از بروز صحنه‌های خشونت در سطح شهر باشد خشونت‌هایی که نمودار عدم شکل‌گیری روحیه شهروندی در آن جامعه است.

براین اساس، مقاله حاضر با استفاده از روش اسنادی و تحلیل محتوای کمی، تعدادی از پرونده‌های مربوط به نزاع دسته جمعی موجود در حوزه اجرای احکام شماره ۱ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بویر احمد- مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد- را بررسی کرده و از این رهگذر سعی دارد ماهیت و ویژگی نزاع‌های جمعی رخ داده در شهرستان بویر احمد را از لحاظ زمینه وقوع درگیری، تعداد افراد شرکت کننده در نزاع، محل و زمان وقوع درگیری، دامنه صدمات وارد شده، سلاح مورد استفاده، تعداد افراد شرکت کننده در نزاع، نحوه ختم پرونده نزاع و متغیرهای جمعیتی مربوط به افراد شرکت کننده در نزاع شناسایی و تبیین کند.

پیشینه تحقیق

در تحقیقات داخلی پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با انواع خشونت‌ها صورت گرفته است، اما تحقیقاتی که در ارتباط با نزاع‌های جمعی است، اغلب پژوهش‌هایی هستند که در استان‌های لرستان، ایلام، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد صورت گرفته‌اند، و عموماً "محققان در این پژوهش‌ها به زمینه‌های فرهنگی شکل‌گیری این نزاع‌ها اتفاق نظر داشته‌اند.

نظری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مسئله نزاع جمعی (مطالعه موردی استان ایلام)" به این نتیجه رسیده است که متغیرهای «پرخاشگری»، «قوم‌گرایی» و «تجربه عینی نزاع» تأثیر معنادار و مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنادار و منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند.

چلبی و عبداللهی (۱۳۷۲) در تحقیقی با عنوان "توصیف و تبیین جامعه‌شناختی نزاع‌های جمعی در استان لرستان" به این نتیجه رسیده است که به طور کلی میزان انسجام عام در سطح استان نسبتاً ضعیف بوده و یکی از علل مهم نزاع‌های جمعی محسوب می‌شده است.

بررسی آثار خارجی صورت گرفته نشان می‌دهد که اکثر این پژوهش‌ها، خشونت، تضاد، و پرخاشگری‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند و بیشتر به خشونت‌های

خانوادگی، سیاسی، بین فردی توجه کرده‌اند. می‌توان گفت آنچه در این پژوهش مورد نظر است - نزاع جمعی - در پژوهش‌های خارجی به عنوان مسئله پژوهش نبوده است، مگر با عنوان تضادهای قومی که واژه قوم نیز در اکثر پژوهش‌ها با مفهومی متفاوت از طایفه یا گروه‌های خانوادگی در برخی نقاط ایران است. برخی از این پژوهش‌ها را به صورت مختصر به صورت زیر می‌توان معرفی کرد:

لی فرانس^۱ و همکاران (۲۰۰۸) پژوهشی با عنوان "خشونت‌های بین فردی در سه کشور کارائیب: باربادوس^۲، جامائیکا^۳ و ترینیداد و توباگو^۴" انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که قربانیان خشونت جنسی بیشتر از جنس مؤنث بودند بیشترین میزان این قربانیان در جامائیکا بوده است. به نظر این پژوهشگران سطوح بسیار بالای خشونت بین فردی گزارش شده نشان از سطح بسیار بالای تحمل میان قربانیان، فرهنگ خشونت و فرهنگ روابط درونی خصمانه است.

بنتا^۵ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود با عنوان "نقش جنسیت در ایجاد رفتار مجرمانه" به بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در جرم و خشونت پرداختند، نتایج بررسی‌ها و مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی در توسعه درک اجتماعی، ممکن است به توضیح تفاوت‌های جنسیتی در جرم و خشونت کمک کند. همچنین یکی از دلایلی که دختران میزان تخلف کمتری دارند، این مسئله است که آن‌ها مهارت‌های ادراکی - اجتماعی را در زندگی، زودتر از پسران به دست می‌آورند و مهارت‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند.

چارچوب نظری

به منظور فراهم کردن زمینه پژوهش و آمادگی برای مطالعه و گردآوری داده‌ها و تحلیل نتایج، ضروری است مبانی نظری مرتبط با موضوع مدّ نظر قرار گیرد. در ارتباط با نزاع جمعی به عنوان یکی از انواع کج رفتاری‌ها می‌توان از تبیین‌هایی که در این

1- Le Franc, E.

2- Barbados

3 -Jamaica

4 -Trinidad and Tobago

5 -Bennetta,S.

زمینه وجود دارد، بهره گرفت. تعدد نظریه‌هایی که در زمینه کج‌رفتاری وجود دارد، حکایت از آن دارد که نظریه‌ای که در این زمینه از جامعیت برخوردار باشد، وجود ندارد، و اصولاً با دیدگاه‌های متفاوت به این پدیده نگریسته می‌شود. برخی در یک دسته بندی کلان، کلیه عوامل مطرح شده توسط صاحب نظران را به سه دسته بزرگ زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تقسیم کرده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۱). علاوه بر این، جدیدترین دسته بندی نظریه‌های مربوط به کج رفتاری اجتماعی تقسیم بندی دو گروه اثبات‌گرا و برساخت‌گراست. در رویکرد اثبات‌گرایی به کج رفتاری به عنوان پدیده‌ای واقعی، عینی و جبری نگریسته می‌شود؛ در نتیجه سه دسته مهم نظریه‌ها در چنین پارادایمی قابل تشخیص و تفکیک است: (۱) نظریه‌های فشار اجتماعی، (۲) نظریه‌های یادگیری اجتماعی و (۳) نظریه‌های کنترل اجتماعی (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۳) و سه دسته مهم از نظریه‌های برساخت‌گرا نیز: (۱) انگ زنی، (۲) نظریه‌های پدیدار شناختی و (۳) نظریه تضاد می‌باشد (همان: ۵۶). نزاع جمعی به عنوان یکی از انواع کج‌رفتاری‌ها ممکن است از دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی تبیین شود که در اینجا به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

روان‌شناسان اجتماعی کج‌رفتاری‌ها را بر اساس جنبه‌های مختلف کنش متقابل موجود در درون موقعیت‌های اجتماعی که انحرافات در آن رخ می‌دهند، مطالعه می‌کنند. در این نظریه‌ها آنچه که مد نظر قرار گرفته و به عنوان علل کج رفتاری بیان می‌شود؛ شکل‌گیری رفتارهای انحرافی در فرایندهای کنش متقابل، مشاهده و یادگیری رفتارهای انحرافی، ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری، ناکارآمدی جریان کنترل‌های اجتماعی درونی و بیرونی و ... است.

جامعه‌شناسان در تبیین کج‌روی‌ها و رفتارهای انحرافی از سوی افراد و گروه‌ها بر محیط و شرایط اجتماعی تأکید می‌کنند و علل بروز چنین آسیب‌هایی را در خود جامعه و نهادهای اجتماعی جست‌وجو می‌کنند. به گفته‌ی گیدنز "یک تبیین رضایت بخش ماهیت جرم باید تبیین جامعه‌شناختی باشد، زیرا ماهیت جرم به نهادهای اجتماعی جامعه بستگی دارد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تفکر جامعه‌شناختی درباره جرم تأکید بر ارتباطات متقابل میان هم‌نواپی و کج‌روی در زمینه‌های

اجتماعی مختلف است. جوامع امروزی خرده فرهنگ‌های بسیار متفاوتی دارند و رفتاری که با هنجارهای یک خرده فرهنگ خاص هم‌نواپی دارد ممکن است خارج از آن خرده فرهنگ، کجروانه تلقی شود" (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۵۸). به طور کلی، نظریه‌ها جامعه‌شناختی با دو رویکرد وفاق اجتماعی و تضاد بر نقش محیط اجتماعی در شکل‌گیری انحرافات اجتماعی تأکید نموده‌اند. نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی نظیر آنومی دورکیم، مرتن و نظریه کنش اجتماعی پارسونز و نظریه بوم‌شناختی پارک و برگس با رویکرد وفاق اجتماعی به تبیین پدیده انحراف اجتماعی پرداخته‌اند. ماهیت انحرافات اجتماعی در نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی تخطی از قواعد و هنجارهای اجتماعی می‌باشد. نظریه تضاد رقابت افراد با یکدیگر را بر سر دستیابی به منابع محدود عامل اصلی وقوع جرم و انحرافات در جامعه می‌داند. به باور نظریه‌پردازان مکتب تضاد ارتکاب جرم برای افراد با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر محتمل‌تر است (احمدی، ۱۳۸۴: ۶۲).

پارسونز، انسجام اجتماعی را در ابتدا در سطحی از ارزش‌ها دنبال می‌کند. پارسونز در مورد زمینه شکل‌گیری انسجام بر این باور است که "بچه‌ها توسط والدینشان جامعه‌پذیر می‌شوند. بنابراین ارزش‌های پایه‌ای جامعه به عنوان جزئی از شخصیت‌شان درونی می‌شود." در اصطلاح پارسونز، تمایلات نیازی شخصیت‌ها توسط ارزش‌های پایه‌ای جامعه شکل گرفته، در نتیجه نیازهای افراد و آنچه که می‌خواهند انجام دهند، تحت تأثیر انتظارات جامعه است. اگر ارزش‌های پایه‌ای جامعه بر هم‌نواپی گروه تأکید داشته باشد، شخصیت کودکان در جهت تعلقات گروه رشد می‌یابد (کالینز^۲، ۱۹۹۷: ۶۲) با الهام از این دیدگاه می‌توان چنین استنباط کرد که جامعه‌پذیری افراد به ویژه از سوی خانواده در جهت هم‌نواپی افراد با نظم اجتماعی می‌تواند از مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر نوع رفتارها به ویژه رفتارهای نزاع گونه باشد. در همین زمینه دوروتی لاونولث در نظریه فضای عاطفی خانواده بر آن است تا از طریق تعیین‌کننده‌های ساختاری، رفتار نابهنجار در خانواده را تبیین کند. لاونولث در خصوص نقش رفتارهای آسیب‌زای

1- Conflict Theory
2-Collins

خانواده در شکل‌گیری رفتارهای نابهنجار متذکر می‌شود که تجربیات اولیه زندگی در تعیین چگونگی رفتار مؤثر بوده و خانواده اولین گروه نهادی است که شرایط چنین تجربیاتی را فراهم می‌کند. به نظر لاونولث اگر کودک در محیط خصومت زندگی کند، یاد می‌گیرد ستیزه جویی کند، اگر کودک در محیط تؤام با بردباری زندگی کند یاد می‌گیرد، صبور باشد، اگر کودک در محیط پذیرش و دوستی زندگی کند، یاد می‌گیرد همه جا صلح و صفا داشته باشد، اگر در محیط تمسخر زندگی کند، یاد می‌گیرد خجول باشد (مرادی، ۱۳۶۵: ۱۳۱-۱۳۰ به نقل از نظری، ۱۳۸۶) و با دیگران نیز ستیزه‌جویی کند، پرخاشگری خود را کنترل نکند و دیگران را مورد تمسخر قرار دهد، در نتیجه نظم موجود در جامعه را با آسیب‌هایی چون نزاع جمعی برهم زند. در این راستا در این بررسی، نقش مزاح، تمسخر و بی‌احترامی‌های کلامی نسبت به دیگران در نزاع‌های دسته جمعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده که بر زمینه‌های اجتماعی به ویژه شرایط جامعه‌پذیری در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه تأکید دارند، در این تحقیق، نزاع‌های دسته‌جمعی از منظر ویژگی‌های فردی و اجتماعی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در راستای بهره‌گیری از نظریه‌های معرفی شده برای تبیین موضوع نزاع، مجموعه‌ای از پرسش‌ها پیرامون زمینه‌های فردی و اجتماعی منازعان طرح و مورد بررسی قرار می‌گیرند. نظریه‌های پشتیبانی‌کننده، زمینه جامعه‌پذیری و تعامل اجتماعی افراد را در بروز رفتارها مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین، در این بررسی نیز وضعیت تعامل منازعان با یکدیگر، وضعیت وابستگی‌شان و سابقه درگیری آن‌ها با یکدیگر مورد پرسش و بررسی قرار می‌گیرد.

سؤالات تحقیق

۱- افراد شرکت کننده در نزاع جمعی از چه ویژگی های جمعیت شناختی (سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، محل سکونت (روستا یا شهر)، سطح تحصیلات و قومیت برخوردارند؟

۲- نسبت نزاع های جمعی اتفاق افتاده در روستاها و مناطق مختلف شهری به چه صورت است؟

۳- بیشترین نزاع ها مربوط به کدام یک از طوایف است؟

۴- چه زمینه هایی باعث وقوع نزاع های دسته جمعی بوده است؟

۴- منازعه کنندگان چه وابستگی (نسبی - سببی) با هم داشته اند؟

۶- آیا طرفین درگیری قبلاً نیز با همدیگر درگیری داشته اند؟

۷- در صورت سابقه درگیری؛ پیگیری قضایی به چه صورت بوده است؟

۸- منازعان از نظر پیشینه محکومیت قضایی چه وضعیتی داشته اند؟

۹- شدت نزاع های صورت گرفته بر اساس نوع سلاح، صدمات وارده بر افراد و تعداد افراد شرکت کننده دستگیر شده چگونه است؟

۱۰- در مورد پرونده های مورد بررسی چه نوع احکام قضایی صادر شده است؟

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به روش تحلیل محتوای کمی، به بررسی پرونده های نزاع های جمعی اتفاق افتاده بین سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ شهرستان بویراحمد پرداخته است. تحلیل محتوا به عنوان یک روش تحقیق علمی واجد مختصات و ویژگی هایی است که همچون هر روش علمی، حاصل انباشت اندیشه ها و تجارب اندیشمندان و محققان علوم اجتماعی در مدت طولانی است و دارای ویژگی هایی است که آن را از سایر روش های علمی متمایز می کند و در عرصه علوم اجتماعی کاربرد دارد. برای بررسی محتوای آشکار پیام های موجود در یک متن، می توان از روش تحلیل محتوا استفاده کرد. این روش را می توان شیوه ای برای تبدیل داده های کیفی به کمی نیز قلمداد کرد. تحلیل محتوا روش مناسبی برای پاسخ به پرسش هایی درباره محتوای یک پیام است.

مهم‌ترین کاربرد تحلیل محتوا در مرحله نخست توصیف ویژگی‌های یک پیام و در مرحله بعد استنباط‌هایی در زمینه پیش‌آیندها و دلایل یک پیام است (سرمد و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۳۲). بنابراین، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی از نوع تحلیل محتواست

جامعه آماری شامل تمامی پرونده‌های نزاع دسته جمعی موجود حوزه اجرای احکام شماره ۱ دادسرای عمومی و انقلاب استان کهگیلویه و بویراحمد و افراد بازجویی شده در این پرونده‌ها؛ در فاصله زمانی شهریور ماه ۱۳۸۰ تا شهریور ماه ۱۳۸۸ است.

از آنجا که آمار مربوط به تعداد کل پرونده‌های مربوط به نزاع‌های دسته جمعی موجود نبوده، از این رو به شیوه نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۵۲ پرونده نزاع دسته جمعی و بازجویی‌های صورت گرفته از ۴۱۷ نفر از شرکت‌کنندگان در نزاع‌های جمعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با یادآوری اینکه بازجویی‌های مورد بررسی در ۵۲ پرونده یاد شده وجود داشته‌اند.

در ارتباط با ابزار سنجش، سنجش توسط تعیین پرسش‌نامه که اصطلاحاً "پرسش‌نامه معکوس" خوانده می‌شود، صورت گرفته است. در این روش بر خلاف شیوه‌های دیگر که پرسش‌گر با طرح سؤال به پاسخ می‌رسد در تحلیل محتوا پاسخ‌ها در دسترس و با پرسش‌نامه استخراج می‌شوند.

منظور از اعتبار یک تحقیق، میزان دقت شاخص‌ها و معیارهایی است که برای سنجش پدیده مورد نظر تهیه شده‌اند. میزان توافق متخصصان یک امر در مورد یک شاخص یا معیار را اعتبار صوری می‌نامند (سرمد و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۱). اعتبار صوری را می‌توان ناشی از میزان توافق چند متخصص دانست. اعتبار ابزار سنجش در این پژوهش توسط استادان دانشگاه مورد ارزیابی قرار گرفت. در ارتباط با پایایی ابزار سنجش و کدگذاری صورت گرفته، یک روش این است که رده‌بندی توسط دو یا چند نفر انجام گیرد و اختلاف آن‌ها سنجیده شود (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۳۹۹). در این مورد کدگذاری توسط ۲ کدگذار صورت گرفته است که موارد تصمیم‌گیری برای هر دو کدگذار در میزان بالایی از توافق بوده است.

یافته های تحقیق

الف) توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع جمعی بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی

۵۱

سن: بررسی ساختار سنی افراد شرکت کننده در نزاع جمعی نشان می دهد که ۴۵/۶ درصد آن ها بین گروه سنی ۱۹ تا ۳۰ سال و ۱۹/۲ درصد آن ها در گروه سنی ۱۰ تا ۱۸ سال، یعنی نوجوانان و جوانان هستند. در مجموع می توان گفت ۶۵/۴ درصد از افراد شرکت کننده در نزاع در محدوده سنی زیر ۳۰ سال قرار داشته اند. علاوه بر این ۶۷ درصد جمعیت شهرستان در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال قرار داشته؛ همچنین با توجه به هرم موجود در نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵)^۱ میانگین سنی منازل تا حدودی نزدیک به میانگین سنی جمعیت ساکن در شهرستان بویراحمد (جامعه مورد نظر) است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع بر حسب گروه سنی

گروه سنی	تعداد	درصد
۱۰-۱۴	۸	۱/۱
۱۵-۱۸	۷۲	۱۸/۱
۱۹-۳۰	۱۹۰	۴۵/۶
۳۱-۴۵	۷۹	۱۸/۹
۴۵ و بیشتر	۶۴	۱۵/۳
بی جواب	۴	۱
کل	۴۱۷	۱۰۰
میانگین سنی = ۳۰/۱۸		

جنسیت: نتایج این پژوهش نشان داد که ۹۰/۹ درصد از افراد شرکت کننده در نزاع های جمعی را مردان و تنها ۹/۱ درصد آن ها را زنان تشکیل داده اند.

۱- با توجه به اینکه دوره مورد تحلیل مربوط به سال های قبل و بعد از سرشماری ۱۳۸۵ بوده، داده های این سرشماری می تواند به عنوان مبنای مقایسه مورد استفاده قرار گیرد.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع بر حسب جنس

جنس	تعداد	درصد
مرد	۳۷۹	۹۰/۹
زن	۳۸	۹/۱
کل	۴۱۷	۱۰۰

وضعیت/ نوع اشتغال: بررسی وضعیت و نوع اشتغال افراد شرکت کننده در نزاع جمعی نشان داد که عموماً افراد شرکت کننده در نزاع دارای مشاغل با مرتبه پایین بوده، به گونه‌ای که افراد با مشاغل آزاد که عموماً راننده و مغازه‌دار بوده‌اند، ۳۱/۹ درصد از افراد را تشکیل می‌دادند. اکثریت افراد از امنیت مالی بی‌بهره بوده‌اند، نبود امنیت مالی برای افراد به عنوان یکی از ابعاد امنیت می‌تواند باعث بروز تنش و اضطراب در افراد شده و زمینه‌ای برای شرکت افراد در نزاع‌های جمعی شود. همچنین قابل ذکر است که ۱۸/۲ درصد از افراد شرکت کننده در نزاع دانش‌آموز بوده‌اند. درصد افراد شرکت کننده در نزاع بر حسب وضعیت/ نوع اشتغال به ترتیب شامل مشاغل آزاد، محصل، بیکار، کارمند، کارگر، کشاورز، خانه‌دار، سرباز و بازنشسته بوده است. از نکات قابل توجه در ارتباط با این داده‌ها حضور بسیار بالای دانش‌آموزان و کارمندان در نزاع‌های جمعی است؛ سهم کارمندان شرکت کننده در نزاع از کارگران و کشاورزان نیز بالاتر بوده و در رتبه چهارم قرار دارد. این وضعیت می‌تواند نمودار، فضای غالب اجتماعی باشد که در آن حضور و مشارکت در نزاع حتی در افراد با منزلت شغلی متوسط و بالاتر در حد قابل توجهی قرار دارد. همچنین می‌توان گفت که از کل افراد شاغل ۱۰ ساله حدود ۲۶ درصد در بخش صنعت، حدود ۲۰ درصد در بخش کشاورزی، حدود ۵۲ درصد در بخش خدمات شاغل بودند. حدود ۱/۵ درصد نیز اظهار نشده بود. (سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵) نوع فعالیت منازعان بیشتر در مشاغل آزاد و خدماتی متناسب با ترکیب جمعیتی مشاغل در شهرستان بوده است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی افراد شرکت‌کننده در نزاع بر حسب وضعیت اشتغال

وضعیت/نوع اشتغال	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بیکار	۶۶	۱۵/۸	۱۵/۸
کارگر	۳۰	۷/۲	۲۳
کشاورز	۲۹	۷	۳۰
کارمند	۴۳	۱۰/۳	۴۰/۳
مشاغل آزاد (مغازه دار-راننده و...)	۱۳۳	۳۱/۹	۷۲/۲
بازنشسته	۶	۱/۴	۷۳/۶
خانه دار	۲۷	۶/۵	۸۰/۱
محصل	۷۶	۱۸/۲	۹۸/۳
سرباز	۷	۱/۷	۱۰۰
کل	۴۱۷	۱۰۰	-

محل سکونت: بر اساس جدول شماره ۴، ۶۳/۱ درصد از افراد شرکت‌کننده در نزاع‌های جمعی، ساکن روستا و ۳۹/۹ درصد نیز ساکن مناطق شهری بوده‌اند که عموماً توجه به داده‌های تحقیق نمودار آن است که این مناطق به طور ویژه شامل شهرک‌ها و مناطق حاشیه شهر می‌باشند. اصولاً روستائیان در مقایسه با شهرنشینان به دلیل حفظ برخی نگرش‌ها و باورهای مرتبط با ساختارهای سنتی، تعصبات شدیدتر، میزان پایین روحیه تعاون، مشارکت و اعتماد، همچنین ساختار بندی ایلی- عشیره‌ای، برتری طلبی طوایف نسبت به همدیگر، بیسوادی در روستا و... به میزان بالاتری در نزاع‌ها شرکت داشته‌اند. تحقیقات دیگر نگارنده نشان دهند: ویژگی‌های فرهنگی و نوع جهت‌گیری ارزشی است که زمینه ساز شرکت برخی افراد جامعه مورد مطالعه در نزاع‌های جمعی می‌شود. تحقیق میرفردی (۱۳۸۸) در مورد جهت‌گیری عام‌گرایانه ساکنان شهر یاسوج نشان داد که میزان عام‌گرایی پاسخ‌گویان در حد پایینی است. پایین بودن روحیه عام‌گرایانه از یک سو و وجود تعصبات طایفه‌ای و خویشاوندی از سوی دیگر می‌تواند در برخی موارد زمینه‌ساز همراهی و مشارکت افراد در نزاع‌های جمعی شود، حتی اگر خود افراد آغاز کننده درگیری نباشند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع بر حسب محل سکونت

محل سکونت	تعداد	درصد
شهر	۱۵۴	۳۶/۹
روستا	۲۶۳	۶۳/۱
جمع	۴۱۷	۱۰۰

تحصیلات: بررسی سطح تحصیلات افراد شرکت کننده در نزاع جمعی نشان داد که بیشترین افراد شرکت کننده در نزاع جمعی دارای سطح تحصیلات زیر دیپلم بوده‌اند. به طور کلی، ۹۲/۸ درصد از افراد دارای سطح تحصیلات دیپلم، زیر دیپلم و بیسواد هستند، اگر چه در موارد نادری نیز ممکن است افراد با تحصیلات عالی در نزاع‌های جمعی شرکت کنند، مشاهدات نشان می‌دهد که عموماً افرادی که بیشترین حضور و مشارکت را در نزاع‌های جمعی دارند، از سطح تحصیلات پایینی برخوردارند. این وضعیت می‌تواند مرتبط با ضعف عقلانیت و تدبیر اجتماعی و فرهنگی افراد با تحصیلات پایین باشد که در حل مسائل فردی و اجتماعی خود از شیوه‌های قانونی بهره‌گیری لازم را به عمل نیاورده یا اینکه نسبت به راه‌حل‌های مطلوب و قانونی برای مسائل و اختلافات خود با کنشگران پیرامونی خود آگاهی و شناخت لازم را به‌دست نیاورده و در نتیجه اختلافات اولیه، به چالش‌هایی چون نزاع تبدیل می‌شود. از ۱۹۴۸۲۰ نفر جمعیت ۶ ساله و بالاتر شهرستان، تعداد ۱۶۲۶۶۵ نفر (۸۴/۳) باسواد بوده‌اند، به گونه‌ای که حدود ۲۱ درصد تحصیلات ابتدایی، حدود ۱۷ درصد تحصیلات راهنمایی، حدود ۲۷/۵ درصد دارای تحصیلات متوسطه و پیش‌دانشگاهی و حدود ۱۳ درصد از تحصیلات عالی برخوردارند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵). نگاهی به آمارهای یاد شده نشان می‌دهد که ترکیب تحصیلی منازعان تا حدودی کمتر از ترکیب تحصیلی جمعیت ۶ ساله و بالاتر شهرستان است. به بیان دیگر، پدیده نزاع بیشتر در بین افراد با تحصیلات کمتر از دیپلم بوده که چندان تناسبی با ترکیب تحصیلی جمعیت شهرستان نداشته است. این وضعیت نشان می‌دهد که با وجود بالا بودن نسبی سطح تحصیلات، تعداد به نسبت کمتری از افراد تحصیل کرده در نزاع‌های جمعی مشارکت داشته‌اند. میانگین تحصیلات زیر دیپلم منازعان متناسب و متناظر با

شرایط سنی آن هاست. به گونه‌ای که با توجه به میانگین سنی ۳۰ سال منازعان و سطح تحصیلات زیردیپلم به نسبت افراد بی‌سواد که سهم کمتری از پرونده‌های نزاع را به خود اختصاص داده‌اند تا حدودی قابل توجیه و تحلیل علمی است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی افراد شرکت‌کننده در نزاع بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بی‌سواد	۶۴	۱۵/۳	۱۵/۳
زیر دیپلم	۲۰۳	۴۸/۷	۶۴
دیپلم	۱۲۰	۲۸/۸	۹۲/۸
لیسانس	۲۹	۷	۹۹/۸
فوق لیسانس و بالاتر	۱	۰/۲	۱۰۰
کل	۴۱۷	۱۰۰	-

میانگین تحصیلی = $۲/۲۸$

وضعیت تأهل: وضعیت تأهل افراد نشان می‌دهد که درصد افراد مجرد (۴۸ درصد) تا حدودی بیشتر از افراد متأهل است (۴۵/۳ درصد)، که البته این تفاوت قابل توجه نمی‌باشد هر چند این تفاوت درصد بسیار پایینی است، اما تأهل و داشتن تعهد به خانواده می‌تواند در کاهش وقوع نزاع تأثیرگذار باشد.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی افراد شرکت‌کننده در نزاع بر حسب وضع تأهل

وضع تأهل	تعداد	درصد
مجرد	۲۰۰	۴۸
متأهل	۱۸۹	۴۵/۳
بی‌جواب	۲۸	۶/۷
کل	۴۱۷	۱۰۰

قومیت: همان گونه که نتایج نشان می‌دهد اکثر افراد شرکت‌کننده در نزاع‌های جمعی در شهرستان بوير احمد (۹۹/۳ درصد) از قوم لر هستند و تنها ۰/۷ درصد افراد از

قومیت‌های دیگر می‌باشند، توجه به این نکته ضروری است که بیش از ۹۵ درصد افراد شهرستان بویراحمد دارای قومیت لر هستند و سهم منازعان با قومیت لر در کل افراد شرکت‌کننده در نزاع، متناسب با سهم جمعیت با قومیت لر در این جامعه است. بنابراین ترکیب قومیتی افراد شرکت‌کننده در نزاع جمعی در تحلیل پرونده‌های یاد شده، نمی‌تواند نمودار ارتباط بین قومیت و نزاع باشد.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی افراد شرکت‌کننده در نزاع بر حسب قومیت

قومیت	تعداد	درصد
فارس	۲	۰.۵
لر	۴۱۴	۹۹.۳
کرد	۱	۰.۲
کل	۴۱۷	۱۰۰

توزیع فراوانی افراد شرکت‌کننده در نزاع بر حسب طایفه

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بالاترین درصد شرکت‌کننده در نزاع (۳۱/۹ درصد) مربوط به طوایف بویراحمد بالا بوده است. همچنین دشترومی‌ها به تنهایی ۱۳/۴ درصد از افراد منازعه‌کننده را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین میزان نیز مربوط به طوایف استان‌های دیگر (۱/۹ درصد) بوده است. آنچه در بهره‌گیری صحیح از این نتایج مهم می‌باشد، توجه به تعداد کل افراد طوایف مختلف است، به گونه‌ای که جمعیت کل طوایف مختلف نیز بایستی در نظر گرفته شود. این امر نشان می‌دهد که برخی طوایف به میزان بیشتری در نزاع‌های جمعی شرکت می‌کنند یا به‌وجود آورنده نزاع‌های جمعی هستند.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع بر حسب طایفه

طایفه	تعداد	درصد
طوایف بویر احمد پایین	۸۵	۲۰/۴
دشترومی	۵۶	۱۳/۴
جلیل	۲۵	۶
دیگر طوایف بویر احمد بالا	۱۳۳	۳۱/۹
طوایف شهرستان‌های دیگر استان	۲۲	۵/۳
طوایف استان‌های دیگر	۸	۱/۹
دیگر طوایف یا نامشخص	۸۸	۲۱/۱
کل	۴۱۷	۱۰۰

توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع جمعی بر حسب پیشینه محکومیت

داده‌های جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که اکثر افراد شرکت کننده در نزاع جمعی (۸۶/۶ درصد) بدون پیشینه محکومیت می‌باشند و تنها ۶/۷ درصد دارای پیشینه محکومیت بوده‌اند. این وضعیت می‌تواند نشان دهنده شرایط فرهنگی - محلی باشد که حتی افراد بدون سابقه جرم ممکن است در نزاعی که یکی از طرف‌های آن از بستگان و حتی آشنایان‌شان باشد، شرکت کنند. این وضعیت در کلان شهرها و شهرهای بزرگ‌تر کمتر مشاهده می‌شود و به ویژه در فرهنگ محله‌های جنوب شهر در کلان شهرها، معمولاً افراد با ویژگی‌های اجتماعی خاصی در درگیری‌ها مشارکت می‌کنند. افراد بدون پیشینه محکومیت در کلان شهرها یا مناطق توسعه یافته معمولاً کمتر وارد نزاع می‌شوند و سعی بر آن دارند که حتی‌الامکان موضوع‌های مورد اختلاف را از مجرای قانونی آن پیگیری کنند.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع جمعی بر حسب پیشینه

محکومیت

پیشینه محکومیت	تعداد	درصد
دارد	۲۸	۶/۷
ندارد	۳۶۱	۸۶/۶
ذکر نشده	۲۸	۶/۷
کل	۴۱۷	۱۰۰

توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع جمعی بر حسب سابقه سکونت در منطقه محل درگیری

بررسی سابقه سکونت در منطقه محل درگیری نشان می دهد که ۵۸ درصد از افراد شرکت کننده در نزاع جمعی دارای سابقه سکونت در منطقه محل درگیری، و ۴۲ درصد از افراد نیز بدون سابقه سکونت در منطقه محل درگیری بوده اند.

جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع جمعی بر حسب سابقه

سکونت در منطقه محل درگیری

سابقه سکونت در محل درگیری	تعداد	درصد
دارای سابقه سکونت	۲۴۲	۵۸
بدون سابقه سکونت	۱۷۵	۴۲
کل	۴۱۷	۱۰۰

توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع بر حسب صدمات وارده بر فرد

بر اساس داده های جدول شماره ۱۱، ۷۷ درصد از افراد شرکت کننده در نزاع جمعی دچار مصدومیت نشده اند و ۲۳ درصد نیز دچار جراحات کم و شدید شده اند. البته ذکر این نکته ضروری است که نزاع های جمعی که در آن افراد دچار صدمات شدید مثل قطع عضو یا منجر به قتل شده است، در حوزه پرونده های مورد بررسی نبوده است.

جدول شماره ۱۱: توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع بر حسب صدمات وارده بر فرد

نوع صدمه	تعداد	درصد
بدون صدمه	۳۲۱	۷۷
جرح خفیف	۴۷	۱۱/۳
جرح شدید	۴۹	۱۱/۸
کل	۴۱۷	۱۰۰

توزیع فراوانی پرونده‌های مربوط به نزاع جمعی بر حسب سلاح مورد استفاده یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از سلاح‌های مورد استفاده در نزاع‌های جمعی از نوع سلاح سرد بوده است، از جمله این سلاح‌ها می‌توان به سنگ، چوب، زنجیر و... اشاره کرد و ۱۳/۴ درصد از سلاح‌های گرم و سرد به طور مشترک استفاده کرده‌اند.

جدول شماره ۱۲: توزیع فراوانی پرونده‌های مربوط به نزاع جمعی بر حسب سلاح مورد استفاده

سلاح	تعداد	درصد
سرد	۳۹	۷۵
گرم	۱	۱/۹
سرد و گرم	۶	۱۱/۵
کتک‌کاری بدنی و فحاشی بدون سلاح	۵	۹/۶
ذکر نشده	۱	۱/۹
کل	۵۲	۱۰۰

توزیع فراوانی پرونده‌های نزاع بر حسب تعداد افراد بازجویی شده در مراجع قضایی در درگیری‌های صورت گرفته

داده‌های جدول ۱۳ نشان می‌دهد که در اکثر پرونده‌ها (۶۷/۳ درصد) از ۳ تا ۱۰ نفر از افراد شرکت کننده در درگیری، بازجویی صورت گرفته است، این در حالی است که در ۵/۷ درصد از پرونده‌ها بیشتر از ۵۰ نفر مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. تعداد افراد بازجویی شده از آن جهت مورد اشاره قرار می‌گیرند که این افراد به عنوان منازعان مورد بازجویی قرار می‌گیرند و می‌تواند شاخصی برای تعداد افراد شرکت کننده در نزاع یا مسببان آن باشد، اگر چه ممکن است در هنگام وقوع نزاع جمعی تعداد افراد شرکت

کننده در نزاع بیش از تعداد دستگیر شده یا بازجویی شده باشد. این آمارها نمودار حجم نسبتاً بالای افراد شرکت کننده در نزاع است و همین حجم منازعان می‌تواند بر دامنه و تداوم اختلافات مربوط به نزاع و کاستن از امنیت و آرامش محلی و منطقه‌ای در حوزه وقوع نزاع تأثیر گذار باشد.

جدول شماره ۱۳: توزیع فراوانی پرونده‌های نزاع بر حسب تعداد افراد بازجویی شده در مراجع قضایی در درگیری‌های صورت‌گرفته

تعداد افراد	تعداد	درصد
۳-۱۰ نفر	۳۵	۶۷/۳
۱۱-۵۰ نفر	۱۴	۲۶/۹
۵۱-۱۰۰ نفر	۲	۳/۸
۱۰۱ نفر و بیشتر	۱	۱/۹
کل	۵۲	۱۰۰

توزیع فراوانی پرونده‌های مربوط به نزاع جمعی بر حسب ساعت وقوع
ساعت نزاع‌های دسته‌جمعی رخ داده نشان می‌دهد که بیشترین میزان وقوع (۴۰/۳ درصد) بین ساعات ۱۲ ظهر تا ۱۶ بعد از ظهر بوده است، زیرا در ساعات یاد شده بیشترین حجم جابه‌جایی از محل کار تا منزل و ... انجام می‌شود و اوج تعاملات چهره به چهره را به خود اختصاص می‌دهد.

جدول شماره ۱۴: توزیع فراوانی پرونده‌های مربوط به نزاع جمعی بر حسب ساعت وقوع

درگیری در شبانه روز	تعداد	درصد
۸ صبح تا ۱۲ ظهر	۱۴	۲۶/۹
بین ۱۲ ظهر تا ۱۶ بعدازظهر	۲۱	۴۰/۳
بین ۱۶ بعداز ظهر تا ۲۰	۸	۱۵/۴
بین ۲۰ تا ۲۴	۸	۱۵/۴
بین ۰۰ تا ۸ صبح	۱	۱/۹
کل	۵۲	۱۰۰

توزیع فراوانی پرونده‌های مربوط به نزاع جمعی بر حسب محل درگیری

داده‌های جدول شماره ۱۵ نشان می‌دهد که بیشترین میزان نزاع جمعی جامعه مورد مطالعه (۵۱/۹ درصد) در روستاها رخ داده است. با توجه به اینکه داده‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهند که درصد بالایی از افراد شرکت کننده در نزاع ساکن روستاها بوده‌اند، می‌توان چنین استدلال کرد که ریشه برخی نزاع‌های رخ داده در مناطق شهری، اختلافات موجود در مناطق روستایی است. در مناطق شهری نیز ۲۸/۸ درصد از نزاع‌ها در معابر عمومی شهر رخ داده است، که چهره‌ای خشونت آمیز از فضای اجتماعی شهر را به نمایش می‌گذارد و احساس امنیت شهروندان را پایین می‌آورد. نبود احساس امنیت در میان شهروندان خود زمینه بروز بسیاری دیگر از آسیب‌های اجتماعی، ایجاد اضطراب در میان افراد، پایین آمدن کارآیی اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه توسعه نیافتگی استان می‌شود.

جدول شماره ۱۵: توزیع فراوانی پرونده‌های مربوط به نزاع جمعی بر حسب محل درگیری

محل درگیری	تعداد	درصد
روستا	۲۷	۵۱/۹
معابر عمومی شهر	۱۵	۲۸/۸
مناطق مسکونی شهر	۸	۱۵/۴
مراکز اداری شهر	۴	۳/۸
کل	۵۲	۱۰۰

توزیع فراوانی پرونده‌های نزاع جمعی بر حسب علت ایجاد درگیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی در میان پرونده‌های بررسی شده، حدود ۱۰ زمینه (علت) برای ایجاد درگیری وجود دارد، که از این موارد بیشترین زمینه ایجاد درگیری مربوط به اختلافات ملکی - زراعی (۱۹/۲ درصد)، و مزاح و بی‌احترامی‌های کلامی (۱۷/۳ درصد) بوده است. بعد از این موارد به ترتیب مسائل مالی، اختلافات قدیمی و کینه‌ورزی‌ها، اختلافات خانوادگی و ناموسی، ایجاد مزاحمت و سلب آرامش از طرف افراد، درگیری با مأموران در حین انجام وظیفه و دعوای ورزشی و در نهایت

زورگویی از جمله زمینه‌های بروز نزاع‌های جمعی بوده‌اند. به نظر می‌رسد شرایط جغرافیایی منطقه که عمدتاً کوهستانی است و از تراکم زیستی (زمین قابل کشت) کمی برخوردار است، زمینه بروز اختلافات ملکی را فراهم می‌کند. تحلیل اجتماعی و روان‌شناختی از تعاملات روزمره نشان می‌دهد که ادبیات گفتاری و شیوه تعاملات جامعه مورد مطالعه که همراه با نوعی روحیه خاص‌گرایی و خود برتری‌جویی است، زمینه سوق‌دهی اختلافات جزئی به درگیری جمعی را افزایش می‌دهد.

جدول شماره ۱۶: توزیع فراوانی پرونده‌های نزاع جمعی بر حسب علت ایجاد درگیری

درصد	تعداد	علت درگیری
۱۳/۳	۷	مالی
۹/۶	۵	ناموسی
۱۹/۲	۱۰	ملکی-زراعی
۱۷/۳	۹	مزاح و بی احترامی های کلامی
۹/۶	۵	خانوادگی
۱۱/۵	۶	اختلافات قدیمی
۱/۹	۱	زورگویی
۳/۸	۲	درگیری با ماموران در حین انجام وظیفه
۵/۸	۳	ایجاد مزاحمت
۳/۸	۲	ورزشی
۴/۸	۲	نامشخص
۱۰۰	۵۲	کل

توزیع فراوانی پرونده های نزاع جمعی بر حسب سابقه درگیری

داده‌های جدول شماره ۱۷ نشان می‌دهند که ۴۲/۳۳ درصد از افرادی که در نزاع جمعی شرکت داشته‌اند، در دوره‌های قبل نیز سابقه درگیری داشته‌اند که نشان از حل

نشدن کامل اختلافات و وجود کینه‌جویی‌ها و انتقام‌جویی‌ها در طرفین درگیری است. از مجموع ۲۲ پرونده (۴۲/۲ درصد) که درگیری‌های قبلی داشته‌اند، تنها ۴۰/۹ درصد مراجعات قبلی به مراجع قضایی و انتظامی داشته‌اند و ۵۹/۱ درصد مراجعه نکرده‌اند؛ از میان مراجعات صورت گرفته تنها در ۳۳/۵ درصد آن‌ها صدور حکم صورت گرفته است که بعد از صدور حکم، دوباره نزاع رخ داده است و بقیه نزاع‌های اتفاق افتاده قبل از اعلام صدور حکم در درگیری‌های قبلی بوده است.

نتایج بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که در ۳۶/۳۶ درصد از پرونده‌های نزاع‌های جمعی که در گذشته نیز بین طرفین درگیری سابقه داشته است، ریش سفیدان وساطت کرده‌اند و به حل اختلاف پرداخته‌اند؛ در نتیجه ریش‌سفیدان طوایف مختلف را می‌توان به عنوان یک زمینه برای رفع زود هنگام اختلافات و جلوگیری از بروز نزاع‌ها به‌شمار آورد.

جدول شماره ۱۷ : توزیع فراوانی پرونده های نزاع جمعی بر حسب سابقه درگیری

درصد	تعداد	وساطت ریش سفیدان	درصد	تعداد	صدور حکم در درگیری قبلی	درصد	تعداد	مراجعه قبلی به مراجع قضایی	درصد	تعداد	سابقه درگیری
۳۶/۳۶	۸	بله	۳۳/۳	۳	بله	۴۰/۹	۹	بله	۴۲/۳	۲۲	بله
۴۰/۹	۹	خیر	۴۴/۴	۴	خیر	۵۹/۱	۱۴	خیر			
۲۲/۷۲	۵	ذکر نشده	۲۲/۲	۲	ذکر نشده						
									۵۷/۷	۴۰	خیر

نسبت فراوانی پرونده‌های نزاع جمعی بر حسب نسبت خویشاوندی و سابقه آشنایی (غیر از خویشاوندی) طرفین درگیر

در ارتباط با نسبت خویشاوندی طرفین درگیر داده‌های بررسی نشان داد که در ۷۵ درصد از پرونده‌ها طرفین درگیر هیچ نسبتی با هم نداشته‌اند. با توجه به این درصد بالا، می‌توان گفت که روابط خانوادگی و خویشاوندی همچنان از قداست برخوردار بوده و افراد برای این روابط ارزش قائل می‌باشند و اختلاف بین خویشاوندان کمتر به نزاع جمعی کشیده می‌شود. در ۲۵ درصد از پرونده‌ها، طرفین درگیر دارای یکی از روابط سببی و نسبی یا هر دوی آن‌ها بوده‌اند. همچنین نتایج جدول شماره ۱۸ نشان می‌دهد که در ۶۹/۳ درصد پرونده‌هایی که منازعان نسبت خویشاوندی نداشته‌اند، طرفین درگیر سابقه آشنایی اعم از دوستی‌ها و آشنایی‌های فامیلی و... داشته‌اند و در ۳۰/۷ درصد از پرونده‌ها، طرفین درگیر هیچ‌گونه آشنایی یا نسبت خویشاوندی نداشته‌اند. نتایج جدول نشان می‌دهند که میزان وقوع نزاع‌های برون‌طایفه‌ای بسیار بیش‌تر از نزاع‌های درون‌طایفه‌ای یا درون‌خانوادگی است. با توجه به تجربیات محققان و همچنین نتایج پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹) در این شهرستان اعتماد بین شخصی که شامل اعتماد در میان آشنایان و افراد نزدیک می‌باشد، به میزان بسیار بالایی است که گاه حتی به خویشاوندگرایی مفرط و در نتیجه تعصبات بی‌جا می‌انجامد؛ از سوی دیگر، همان‌گونه که نتایج بعدی پژوهش نیز نشان می‌دهد، اعتماد تعمیم‌یافته، که اعتماد به افراد بیگانه و غریبه را شامل می‌شود، از میزان پایینی برخوردار بوده در نتیجه کنش میان افراد بر پایه صلح، تفاهم و پذیرش و شکل‌گیری روح جمعی میان آنان را کاهش می‌دهد.

جدول شماره ۱۸ : نسبت فراوانی پرونده های نزاع جمعی بر حسب نسبت خویشاوندی و سابقه آشنایی(غیر از خویشاوندی) طرفین درگیر

نسبت خویشاوندی طرفین درگیر	تعداد	درصد	سابقه آشنایی(غیر از خویشاوندی)	تعداد	درصد
نسبت نداشته اند	۳۹	۷۵	بله	۲۷	۶۹/۲
			خیر	۱۲	۳۰/۷
خویشاوند نسبی	۵	۹/۶			
خویشاوند سببی	۵	۹/۶			
خویشاوند نسبی و سببی	۳	۵/۸			
کل	۵۲	۱۰۰			

توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع جمعی بر حسب حکم نهایی صادر شده

بررسی احکام نهایی صادر شده در ارتباط با نزاع های جمعی در مراجع قضایی نشان می دهد که بیشترین احکام صادر شده (۳۳/۳ درصد) جریمه نقدی به حساب دولت بوده است و احکام جریمه نقدی بدل از حبس و شلاق، جریمه نقدی و شلاق در رتبه های بعدی قرار دارند.

**جدول شماره ۱۹: توزیع فراوانی افراد شرکت کننده در نزاع جمعی
بر حسب حکم نهایی صادر شده**

درصد	تعداد	حکم
۱/۹	۸	پرداخت دیه
۳۳/۳	۱۳۹	جریمه نقدی به حساب دولت
۷	۲۹	حبس تعزیری
۱/۴	۶	دیه و زندان
۱۳/۲	۵۵	جریمه نقدی بدل از حبس و شلاق
۱/۲	۵	شلاق تعزیری و جریمه نقدی بدل از حبس
۱۰/۶	۴۴	جریمه نقدی و شلاق
۹	۵۸	جریمه نقدی و دیه
۳/۴	۱۴	حبس و شلاق
۱/۷	۳	حبس تعلیقی
۱۳/۴	۵۶	ذکر نشده یا بدون حکم
۱۰۰	۴۱۷	کل

توزیع فراوانی پرونده‌های نزاع بر حسب وضعیت رضایت دادن طرفین به یکدیگر

در ۳۲/۷ درصد از پرونده‌های بررسی شده، طرفین درگیر در نهایت به یکدیگر رضایت داده‌اند که تحلیل پرونده‌ها نشان داده‌اند طرفین به‌خاطر وساطت افراد دیگر یا خودداری از رفت و آمدهای پیاپی به مراجع قضایی و انتظامی و... به یکدیگر رضایت داده‌اند.

جدول شماره ۲۰:- توزیع فراوانی پرونده‌های نزاع بر حسب وضعیت رضایت دادن طرفین به یکدیگر

درصد	تعداد	رضایت طرفین
۳۲/۷	۱۷	بله
۶۷/۳	۳۵	خیر
۱۰۰	۵۲	کل

نتیجه گیری

این مقاله درصدد تبیین ماهیت نزاع‌های جمعی در شهرستان بویراحمد بوده است و بدین منظور ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در نزاع‌های جمعی و همچنین زمینه‌های وقوع نزاع در بررسی اسنادی پرونده‌های قضایی استخراج و مورد تحلیل قرار گرفتند، علاوه بر این، تجربیات پژوهشی و مشاهدات میدانی نگارندگان در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نتایج تحقیق نشان داد که گروه سنی ۱۹ تا ۳۰ سال بیشترین درصد از میزان حضور در نزاع‌های جمعی را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین میزان مربوط به افراد ۴۵ سال به بالاتر بوده است. مردان و مجردها بیشتر از زنان و متأهل‌ها در نزاع‌های جمعی شرکت داشته‌اند. از نظر شغلی، افراد دارای مشاغل آزاد که اصولاً مشاغل با منزلت اقتصادی-اجتماعی پایین می باشند، از جمله رانندگان و مغازه‌داران بیشتر از سایر افراد شاغل در حوزه‌های دیگر در نزاع‌های جمعی مشارکت داشته‌اند. در ارتباط با مکان زندگی، افراد ساکن در مناطق روستایی بسیار بیشتر از افراد ساکن مناطق شهری در درگیری شرکت داشته‌اند. در ارتباط با سطح تحصیلات: افراد دیپلم، زیر دیپلم و بی‌سواد بیش از ۹۲ درصد نزاع‌های جمعی را به خود اختصاص داده‌اند. در ارتباط با طوایف نکته قابل تأمل این است که میزان قابل توجهی از نزاع‌ها (۱۳/۴ درصد) به تنهایی به طایفه خاصی (دشترومی) اختصاص دارد. البته بیشترین میزان نزاع‌ها مربوط به طوایف بویراحمد بالاست، که باید با سهم جمعیت این طوایف مورد توجه قرار گیرد. بومی‌ها (۶۵/۵ درصد) بیشتر از مهاجران دائم و موقت درگیری داشته‌اند. از نظر پیشینه محکومیت بیشتر منازعه‌کنندگان پیشینه محکومیت نداشته‌اند. در ۷۵ درصد از نزاع‌ها سلاح مورد استفاده از نوع سلاح سرد شامل سنگ، چوب، چاقو و زنجیر بوده است. اکثر افراد در نزاع‌ها صدمه ندیده‌اند. در اکثر پرونده‌ها (۶۷/۳ درصد) بین ۳ تا ۱۰ نفر مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. بیشتر نزاع‌ها در روستاها اتفاق افتاده است و در شهرها نیز اغلب نزاع‌ها در معابر عمومی شهر رخ داده است. در ارتباط با زمینه‌های بروز درگیری بین گروه‌ها، نزاع‌های اتفاق افتاده به دلیل مسائل ملکی-زراعی بیشترین میزان و بعد از آن مزاح

و بی‌احترامی‌های کلامی قرار داشته است. در ۴۲/۳ درصد از پرونده‌ها سابقه درگیری وجود داشته است که از این میزان تنها ۱۷/۳ درصد به مراجع قضایی و انتظامی مراجعه داشته‌اند و در ۱۵/۴ درصد نیز ریش سفیدان وساطت کرده‌اند. ۷۵ درصد از طرفین درگیر هیچ‌گونه نسبت خویشاوندی اعم از سببی و نسبی یا هر دوی آن‌ها را نداشته‌اند، اما بیشتر افراد غیرخویشاوند (۶۹/۲ درصد) سابقه آشنایی با همدیگر داشته‌اند. در نهایت نیز در ۳۲/۷ درصد از پرونده‌ها طرفین درگیری به یکدیگر رضایت داده‌اند و بیشترین حکم صادر شده از طرف مراجع قضایی جریمه نقدی به حساب دولت بوده است.

ترکیب سنی شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که بیشترین سهم از مشارکت در نزاع مربوط به افراد جوان است که در رفتارهایشان نسبت به افراد با سنین بالا کمتر به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی رجوع می‌کنند. در کنار شور و احساس جوانی، عدم تمکین به ارزش‌ها و هنجارهای رسمی و غیررسمی در این ترکیب تأثیرگذار است.

با توجه به اینکه زنان کمتر در رفتارهای خشونت‌بار کلامی و غیرکلامی در جامعه ظاهر می‌شوند و همچنین ویژگی مردسالارانه جامعه مورد مطالعه که مردان بیشتر در تعاملات اجتماعی بیرون از خانه حضور دارند، پایین بودن سهم زنان در منازعات دور از انتظار نیست.

ترکیب شغلی منازعه‌کنندگان از دو بعد نظری قابل تبیین است، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی پارسونز و کنش متقابل‌گرایان بر ابعاد هنجاری و همچنین روابط و تعاملات اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه تأکید دارند. با توجه به اینکه شاغلان در مشاغل آزاد و غیردولتی کمتر در ارتباط با مقررات و ارزش‌های رسمی قرار می‌گیرند و در نتیجه و در مقایسه با شاغلان نهادهای رسمی دولتی رفتارهای مورد انتظار هنجارهای رسمی را تجربه می‌کنند، بنابراین رفتارهای آن‌ها در تداوم انتظارات رفتاری طایفه‌ای و عشیره‌ای است که حس تعصب و تعلق به طایفه و عشیره بر تمکین به هنجارهای رسمی ارجحیت دارد. دغدغه از دست دادن فرصت شغلی در نهادهای رسمی به‌خاطر شرکت در درگیری‌ها و تحمل مجازات

قضایی مرتبط به آن و همچنین ناموجه بودن شرکت در نزاع برای کارمندان ارشد و عالی رتبه- از منظر سازمانی- می‌تواند در کاهش سهم کارکنان ادارات و نهادهای دولتی در نزاع تأثیرگذار باشد. این وضعیت با رجوع به نظریه‌های پارسونز و کنش متقابل قابل تبیین است. همچنین ترکیب شغلی منازعان از منظر دیدگاه تضاد نیز قابل تبیین است. دیدگاه تضاد، بروز نزاع را وابسته به اختلاف بر سر منابع کمیاب می‌داند. کمبود منابع اقتصادی به‌ویژه املاک و زمین‌های زراعی در جامعه مورد مطالعه، در بروز نزاع‌های جمعی مؤثر است، سهم اختلافات ملکی و زراعی در همین زمینه قابل تبیین است.

همان‌گونه که نتایج این تحقیق نشان داد سهم روستائیان در نزاع بیش از شهرنشینان بوده است و بخش قابل توجهی از این نزاع‌ها به‌خاطر کمیابی منابع آب و خاک و ... است، ضمن اینکه ترکیب روستایی-شهری منازعان در ارتباط با دیگر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی همچون نظریه انسجام اجتماعی پارسونز و کنش متقابل نمادین و دیدگاه‌های لاونولت و پارسونز قابل تبیین است. در جامعه روستایی، فرهنگ شهروندی به معنای مدرن آن نهادینه نشده و شرایط کنش متقابل و جامعه‌پذیری افراد بر یادگیری و به‌کار بستن ویژگی‌های نزاع‌گونه تأثیر دارند. مفاهیمی همچون "غیرت طایفه‌ای" و "حمایت از خویشاوندان در هر شرایطی" در جامعه مورد مطالعه در این راستا قابل تبیین‌اند. نداشتن سابقه محکومیت بیشتر منازعان می‌تواند در راستای شرایط جامعه‌پذیری جامعه مورد مطالعه تبیین شود. به بیان دیگر، نگرش‌های طایفه‌مداری و روحیه خاص گرایانه - که در تحقیق میرفردی (۱۳۸۷) نیز مورد تأکید قرار گرفته است- افراد را به صورت بالقوه آماده بروز رفتارهای نزاع‌گونه می‌کند و در این شرایط حتی افرادی که سابقه محکومیت قضایی ندارند به صورت خواسته یا ناخواسته و در پی بروز اختلاف با دیگران ممکن است به نزاع کشیده شوند. مهارت‌های ارتباطی از عناصر اصلی کنش متقابل اجتماعی است و در این بررسی جایگاه مزاح و بی‌احترامی‌های کلامی در شکل‌گیری نزاع نشان دهنده ضعف مهارت‌های ارتباطی منازعان است.

عدم مراجعه منازعان به مراکز قضایی و انتظامی در درگیری‌های قبلی، نمودار اتکا به مناسبات سنتی و همچنین نهادینه نشدن فرهنگ شهروندی برای پیگیری موارد اختلافی از مجراهای قانونی و رسمی است. مناسبات و تعاملات اجتماعی - همان گونه که در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی بر آن‌ها تأکید شده است - هم در شکل‌گیری نزاع‌های جمعی و هم در شیوه مدیریت پس از وقوع آن تأثیر دارد و این نوع از مناسبات می‌تواند نزاع‌های جمعی را تا حد زیادی به عنوان یک پدیده قابل تحمل درآورد. عدم رجوع به مراکز قضایی و انتظامی از منظر دیگری قابل تبیین است و آن هم آنومی در کارکرد چنین نهادهایی می‌باشد، ضعف اقتدار و عملکرد نهادهای رسمی در کنار نهادینه نشدن آموزه‌های هنجاری جدید در جامعه می‌تواند در عدم اعتماد مردم به آن‌ها و در نتیجه رجوع کمتر به آن‌ها برای حل اختلافات منجر شود. با توجه به اینکه نزاع جمعی در جامعه مورد مطالعه بیشتر تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی است، تأکید بر جریمه‌های نقدی در محاکم قضایی برای منازعان به ویژه منازعانی که از تمکن بالایی برخوردارند، ممکن است رفتار نزاع گونه را قابل تحمل کند. یادآوری این نکته لازم است که اگر چه فقر عمومی اقتصادی، پرداخت جریمه نقدی را برای بیشتر منازعان دشوار می‌سازد، فرهنگی و اجتماعی بودن زمینه‌های نزاع، می‌تواند نشان دهنده ناکارآمد بودن جریمه نقدی برای کاهش چنین مسئله اجتماعی در جامعه مورد مطالعه و دیگر اجتماعات مشابه باشد.

پیشنهاد‌های تحقیق

از آن جا که دومین زمینه وقوع نزاع‌های جمعی در بررسی پرونده‌ها، مزاح و بی‌احترامی‌های کلامی بودند و همچنین به دلیل اینکه میزان بالایی از منازعه‌ها به دلیل تحریک‌پذیری در مقابل گفتارهای دوطرفه ایجاد می‌شود، آموزش مهارت‌های ارتباطی در جامعه مورد مطالعه، ضروری است.

با توجه به شرکت بیشتر گروه‌های سنی جوان و نوجوان در نزاع‌های جمعی و همچنین گرایش بیشتر به این پدیده نسبت به گروه‌های سنی دیگر، توسعه نهادهای فرهنگی در سطح استان بویژه سینما، پارک‌های علمی - تفریحی، کتابخانه، فرهنگ‌سرا

و افزایش مشارکت جوانان در فعالیتهای هنری، ورزشی، و ... جهت سوق پتانسیل آن‌ها به سوی فعالیتهای مفید علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و ... ضرورت می‌یابد. از آنجا که اولین زمینه وقوع نزاع‌های جمعی اختلافات ملکی و زراعی بوده‌اند، تفکیک دقیق زمین‌ها و مشخص کردن مرزهای کشاورزی هر منطقه در کاهش نزاع‌های جمعی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

آن‌گونه که نتایج مطالعه نشان داده‌اند ۴۲/۳ درصد از پرونده‌های مطالعه شده در دوره‌های قبلی نیز سابقه درگیری داشته‌اند، که نشان از حل نشدن کامل اختلافات در بین آن‌هاست، که می‌توان از طریق معتمدان محلی و ریش‌سفیدان طوایف و همچنین تسریع در رسیدگی قضایی به حل کامل نزاع‌های جمعی پرداخت.

از آن جهت که نزاع‌های رخ داده در محدوده زمانی ۸ صبح تا ۱۲ ظهر بیشترین فراوانی را داشته‌اند، پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های انتظامی نظارت و کنترل انتظامی در این ساعات را افزایش دهند.

نتایج تحلیل محتوی پرونده‌های نزاع دسته جمعی نشان دادند که سهم طوایف مختلف در وقوع نزاع‌های جمعی متفاوت است، در نتیجه می‌توان در روستاهای مورد سکونت این طوایف در جهت کاهش نزاع‌های دسته جمعی برنامه‌ریزی کرد. از جمله فعالیت‌هایی که می‌توان برای کاهش این مسئله انجام داد، آگاهی دادن به مردم این مناطق در رابطه با میزان بالای نزاع جمعی و پیامدهای آن در این طوایف است. از این رو، آگاهی دادن به مردم در این رابطه که نزاع‌های جمعی یکی از مهم‌ترین موانع کنونی توسعه منطقه بوده و مشارکت دادن مردم این مناطق با استفاده از کمک ریش‌سفیدان محل در کاهش این مسئله ضروری است، به گونه‌ای که می‌توان از ریش‌سفیدان و بزرگان این طوایف به عنوان یک عامل میانجی میان نهادها و مردم در جهت بالابردن روحیه تعامل و فرهنگ گفتمان و منطبق در این مناطق استفاده کرد.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سمت. چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی و علیرضادربان آستانه (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: کیهان.
- پور افکاری، نصراله (۱۳۸۳). "نزاع‌های جمعی محلی"، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران (۳۷۳-۳۸۶)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. چاپ اول.
- حسینی، سید رضا (۱۳۸۳). "بررسی آمار جرایم در ایران ۸۰-۱۳۷۶"، در آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران (۱۲۱-۸۳)، تهران: آگه. چاپ دوم.
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات آگه.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ سوم.
- عبداللهی، محمد و مسعود چلبی (۱۳۷۲). طرح تحقیقی توصیف و تبیین نزاع‌های جمعی در لرستان، لرستان: دفتر امور اجتماعی استانداری لرستان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی. چاپ شانزدهم.
- میرفردی، اصغر (۱۳۸۸). "عام‌گرایی و زمینه‌های تأثیرگذار بر آن در مناطق در حال توسعه، مورد مطالعه: شهر یاسوج" پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۴). ۱۴۰-۱۱۳.
- می‌یر، پیتر (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی جنگ و ارتش. ترجمه محمد صادق مهدوی و علیرضا ازغندی. تهران: قومس. چاپ اول.
- نظری، جواد (۱۳۸۶). "تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام"، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۰.

- Collins, R. (1997). Theoretical Sociology. Jaipur and New Delhi: Rawat.
- Le Franc, E., M. Samms-Vaughan, I. Hambleton, K. Fox, D. Brown (2008). "Interpersonal violence in three Caribbean countries: Barbados, Jamaica, and Trinidad and Tobago." Rev Panama Salud Publica. Vol. 24, No.6, pp. 409-421
- Merton, R, R. Nisbet (1974). Contemporary Social Problem. New York: Harcourt Brace Jovanovich, Inc.

Archive of SID